

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهاردهمین سال تأسیس سازمان رزمنده شما را صمیمانه تبریک میگوید و برای شما و همه اعضا و هواداران پیکارگرتان در نبرد پرافتخارتان آرزوی موفقیت های بازم بیشتری می کند.

رفقا!

یکسال دیگر بر سال های کار و پیکار سازمان پرافتخارتان که در کوره مبارزات پیچیده و دشوار بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آبدیده تر شده است، افزوده شد. سالی که عیار والای انقلابی سازمان شما در مبارزه پرشور و عادلانه اش برپایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بیش از پیش نمایان ساخت.

بقیه در صفحه ۷

۶ سال پس از پیروزی انقلاب، نه آزادی، نه استقلال و نه عدالت اجتماعی

۶ سال از انقلاب بهمن ۵۷ می گذرد. انقلابی که در آن اکثریت مطلق مردم میهن ما با فداکاری و از خودگذشتگی بی نظیری گام در عرصه نبرد نابرابر و خونین گذاردند و با دادن دهها هزار قربانی، سرانجام رژیم خودکامه و وابسته سلطنتی را ساقط کردند. از نخستین روز اعتلاء جنبش عظیم انقلابی مردم، شعار توده های میلیونی زحمتکشان روشن بود: آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی.

زحمتکشان ایران خواهان استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک متکی بر اراده مردم بودند. بهمین سبب بود که شعار آزادی در صدر خواستهای نیروهای محرکه انقلاب قرار داشت. بدون آزادی دستیابی به استقلال واقعی و عدالت اجتماعی ناممکن است. سرانجام، که در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب وعده اجرای خواستهای توده های میلیونی شرکت کننده در انقلاب را می دادند، در مراحل بعدی، یعنی پس از قبض کردن انحصاری قدرت، پشت به مردم کرده و انقلاب را در مرحله سیاسی

بقیه در صفحه ۴



دوره هشتم، سال اول، شماره ۳۶
پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۶۳
بها: ۲۰ ریال

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عربستان سعودی

درباره اوضاع سیاسی - اجتماعی دو کشور در منطقه

با نقض بی پروای اصول اعلامیه حقوق بشر و نیز اصول قانون اساسی مربوط به آزادیهای دمکراتیک، ایران را به زندان میلیونها ایرانی تبدیل کرده اند. دهها هزار حکم اعدام و زندانهای دراز مدت برای میهن پرستان و انقلابیون اصیل ایرانی و از جمله اعضا حزب توده ایران، منع فعالیت قانونی احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی، سندیکاهای کارگری و تفتیش عقاید گوشه ای از جنایات رژیم حاکم بر ایران است. در عربستان سعودی نیز از حقوق و آزادی های دمکراتیک اثری نیست. دولت، دستگاه مقننه و قضائیه در حقیقت آلت دست شیوخ جبار هستند و با میهن پرستان دگر اندیش به طرز وحشیانه ای عمل میشود.

در هر دو کشور دیکتاتوری مذهبی حکمفرما است.

۲- قریب شش سال است که جنگ خاصاسوز میان ایران و عراق در جریان است. تا کنون بیش از یک میلیون ایرانی و عراقی در این جنگ بی حاصل و خونین کشته و معلول و معلولین اسان از خانه و زندگی خود آواره و سرگردان شده اند. صدها شهر و روستا ویران شده است. خسارات مالی وارده به هر دو کشور به دهها میلیارد دلار بالغ میگردد. این جنگ که سرانجام آن به آن رنگ مذهبی داده اند و به مقاصد جنگ اعلام با

بقیه در صفحه ۶

در اواسط ژانویه ۱۹۸۵ نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عربستان سعودی گرد هم آمدند و اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران و عربستان سعودی و مبارزات ضدامپریالیستی و ترقیخواهانه نیروهای میهن پرست دو کشور و نیز سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و ارتجاع را در منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار دادند. در این گردهم آیی که در محیط رفیقانه، تفاهم و همبستگی کامل انجام گرفت، طرفین به نتایج زیرین رسیدند:

۱- ایران و عربستان سعودی دو کشوری هستند که در آنها به شیوه های استبدادی خودکامه قرون وسطایی حکومت میشود. گرچه این دو رژیم میان خود اختلافاتی دارند ولی در هر دو کشور رژیم ترور و اختناق حکمروایی میکند و سرکوب و وحشیانه نیروهای ملی و مترقی هسته مرکزی سیاست دورژیم را تشکیل می دهد. ایران و عربستان سعودی با هزاران رشته مرئی و ناصری با سیستم جهانی سرمایه داری امپریالیستی پیوند دارند.

انقلاب بهمن ۵۷ (۱۹۷۸) در ایران انقلابی بود ضدامپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی، که در مرحله نخست با تحولات قابل توجهی همراه بود. ولی در سالهای بعد با خنات سران جمهوری اسلامی ایران به آماجهای مردمی انقلاب، این تحولات مثبت زیر پا گذارده شد. رهبران ج.ا.ا.

بذری را که ما پاشیده ایم زحمتکشان درو خواهند کرد

دو سال از یورش سبعانه به حزب توده ایران می گذرد. در این مدت چه تهمت ها و برچسب ها که به حزب ما نزدند. هزاران نفر از مدافعان زحمتکشان کشور را روانه سباجالها کردند. دهها نفر را زیر شکنجه های وحشیانه کشتند و با جوخه های اعدام سپردند. با بکار گرفتن شیوه های ضدبشری روانگردانی به عاریت گرفته شده از "سیا" که کارایی آنرا با سازمان دادن شوهای تلویزیونی، نخست روی دیگر شخصیت ها و اعضا سازمانهای مترقی آزمایش کرده بودند، شوهای مشابه تلویزیونی علیه حزب ما براه انداختند. کوتاه سخن، از هیچ جنایتی کوتاهی نکردند تا شاید بتوانند از این طریق با اندیشه ها، نظرات و برنامه های حزب توده ایران که بازتاب آرمان توده های میلیونی محرومان شهر و روستا بود، مقابله کنند.

بهیچ وجه تصادفی نبود که بلافاصله پس از یورش وحشیانه به حزب ما، تمام ارگانهای تبلیغاتی رژیم و ضدانقلاب و امپریالیسم در داخل و خارج به صدا در آمدند و با بوق و کرنا انهدام "حزب توده ایران را اعلام کردند.

سران ج.ا.ا. بدون ذره ای شرم اعمال سنگین خود را با کردار دژخیمان دوران ستشاهی مقابله کردند و مدعی شدند، سرکوب حزب توده ایران را که شاه آغاز کرده و نتوانسته بود به انجام برساند، آنها با "موفقیت" به پایان

بقیه در صفحه ۲

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

بذری را که ما پاشیده ایم...

در ادامه از صفحه ۱
 رسیده اند. کار رسوایی این افغانان بچهار رسید
 که به تقلید کورکورانه از رژیم ستمشاهی
 انحلال " حزب ما را اعلام کردند. ولی کور
 خوانده بودند. هنوز چند حیاحی از رجز
 خروانی‌های خائنین به انقلاب مردمی بهمن ۵۷
 نگذاشته، حزب توده ایران با وجود ضربات
 سنگینی که بر آن وارد شده بود، قدرافراشت و
 با سر بلندی بر جم خوسین مبارزه در راه آزادی،
 استقلال، عدالت اجتماعی و صلح را به امتزاز در
 آورد. بدبسمان همه آنچه را که ارتجاع داخلی و
 امپریالیسم در جبهه واحدی رشته بودند، پنبه
 کرد.

پلوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران
 در تحلیل یورش به حزب بدروستی خاطر نشان
 ساخت، آنچه که امروز از زبان گردانندگان ج.
 ا. در تحریف مبارزات و فعالیت های حزب در
 قیل و بعد از پیروزی انقلاب گفته می شود، جز
 ریا و دروغ شرم آور به منظور نوجیه یورش
 خائسانه به حزب مدافع انقلاب و خیانت به
 آرمانهای انقلاب چیز دیگری نیست.

در گزارش مصوب پلنوم هیجدهم تاکید شد، با
 وجود به کار افتادن ناسشین عظیم تبلیغاتی رژیم
 و کمک بیدریغ رسانه های گروهی امپریالیستی در
 در اشاعه یاره
 گویی های ارتجاع حاکم، پرونده سازان ساواکی
 نتوانستند به هدفهای خود نائل آیند.

نه حکام مرتجع ج.ا. و نه هیچ نیروی دیگری
 نمی تواند، حزبی را که از بطن جامعه برخاسته و
 ریشه در اعماق آن دارد، از عرصه نبرد طبقاتی
 حذف کند، چنانکه شاه نیز نتوانست به این
 آرزوی خود تحقق بخشد. سربقای حزب توده
 ایران علییرغم ضربات سهمگینی که طی ۴۲ سال
 موجودیت آن بر بیکر نناورش وارد آمده، در
 جذابیت بی نظیر جهان بینی آن، در دفاع بیگیر
 از منافع کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان
 و در استواری و بیگیری مبارزه آن علیه سلطه
 گری امپریالیسم و ارتجاع بر زمین ماست.

حتی مخالفین ما مجبورند به این واقعیت
 اعتراف کنند، چندی پیش بود که موسوی اردبیلی
 در پاسخ به خبرنگار ژاپنی پیرامون محاکمه
 توده ای های دربند گفت: " شما می دانید
 تشکیلات توده ای در ایران نسبتا مربوط است به
 جهل و چند سال پیش و این تشکیلات، تشکیلاتی
 بوده نسبتا منسجم..."

آقای موسوی اردبیلی نمی گوید چرا؟ اما تجربه
 تاریخ می گوید: حزب توده ایران برای آن دارای
 تشکیلات منسجم بوده، هست و خواهد بود، که از
 طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور الهام می
 گیرد و منعکس کننده آرمان آنهاست.

موسوی اردبیلی در مقام مقایسه دو رژیم خود
 کامه گذشته و حال در برخورد با حزب توده
 ایران می گوید: در رژیم سابق، با اینکه با آنها
 کاملا مخالف بودند و برخورد می کردند، اما
 برخوردشان موفق نبود. این بار که نظام ج.ا. با

اینها برخورد کرد بک برخورد قاطع کرد و ریشه را
 بوزاند. تشکیلات و دستگاه اینها را دستگیر
 کرد. الان مسئله ای بنام حزب محله توده
 نداریم" (اطلاعات، ۹ دی ۶۳)

بله، همچنان که آقای موسوی اردبیلی می گوید
 مسئله ای بنام "حزب محله توده" وجود
 ندارد، چرا که حزب توده ایران، حزب طران
 بوبین طبقه کارگر ایران علییرغم تلاشهای ارتجاع
 و دشمنان مردم نابود نشدنی است، وجود داشته
 دارد و خواهد داشت. رییس دیوان عالی رژیم
 فراموش می کند که در آغاز همین مصاحبه گفته
 بود: "در اطراف موضوعات توده ای ها تبلیغاتی
 که این دشمنان ما در دنیا براه انداخته اند"
 مطرح است. باید از ایشان پرسید: اگر مسئله ای
 بنام حزب توده ایران ندارید، از کدام
 موضوعات توده ایها که نه تنها در ایران بلکه در
 سطح جهان مطرح است، سخن می گوئید؟

موسوی اردبیلی طوطی وار سخنان شاه مخلوع را
 تکرار می کند. او هم حزب ما را "منحله" اعلام
 کرد و مدعی بود مسئله ای بنام حزب توده ایران
 وجود ندارد. ولی تا واپسین دم نام حزب توده
 ایران خواب راحت را از چشمانش می ربود.
 سران ج.ا. را نیز سرنوشتی جز این در انتظار
 نیست.

علل و عوامل یورش به حزب توده ایران

ما در تحلیلهای گونه گون، علل و عوامل یورش
 به حزب توده ایران را با ارائه فاکت های
 انکارناپذیر مورد بررسی قرار داده ایم. دو عامل
 عمده در این میان بیش از پیش جلب نظر می کند:
 چرخش هیئت حاکمه به راست بقصد سمت گیری
 برای احیاء نظام کلان سرمایه داری و بزرگ
 مالکی و گرایش بسوی امپریالیسم از سویی و ترس
 حیوانی از جذابیت جهان بینی، نظرات و برنامه
 های حزب توده ایران از سوی دیگر.

گذشت زمان صحت این ارزیابی ما را هر چه
 بیشتر بثبوت می رساند. هیئت حاکمه که از اوج
 مبارزه توده های زحمتکش در جهت تداوم انقلاب
 به وحشت افتاده بود، راه سازش با امپریالیسم و
 حامیان داخلی آن، یعنی کلان سرمایه داران و
 بزرگ مالکان را در پیش گرفت. وجود حزب
 توده ایران به مثابه مدافع سرسخت و بیگیر
 استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، مانع عمده
 تبدیل ایران به زائده امپریالیسم بود.
 رژیم "ولایت فقیه" نیز مانند رژیم ستمشاهی نمی
 توانست فعالیت علنی حزب توده ایران را تحمل
 کند. زیرا روشنگری ها و افشاگری های حزب ما
 مانع از آن بود تا نقشه ضد ملی رژیم تحقق یابد.

در اسناد لانه جاسوسی منتشره از جانب رژیم
 ج.ا. موارد زیادی وجود دارد که حاکی از نگرانی
 "سیا" از فعالیت حزب توده ایران است. مثلا،
 جاسوسان آمریکایی وقتی به تحلیل اوضاع ایران
 می پردازند و از عمل ایرانی خود اطلاعات می
 خواهند، یکی از چهار موردی را که در نظر می
 گیرند، نه تحقیق درباره فعالیت های نیروهای
 هوادار آیت الله خمینی، بلکه تحقیق درباره

فعالیت های حزب توده ایران است.
 در بند ۴ سند منتشره رابر به "ساخت داخلی
 قدرت" نگاشته میشود: "قدرت (سپرو) و شامل
 جاری حزب توده - رهبران اصلی حزب توده چه
 کسانی هستند و از کجا فعالیت (عمل) می
 کنند؟ منابع اصلی کمک برای چه هستند؟ آیا
 ارتباطی بین توده و گروههای فعال تروریست که
 در داخل ایران فعالیت می کنند وجود
 دارد؟" (اطلاعات، ۱۸ دی ۶۳).

وحشتی که جاسوسان آمریکایی از فعالیت
 حزب توده ایران داشتند و بعدها به سران ج.ا.
 منتقل شد، یکی از عوامل عمده یورش به حزب
 توده ایران بود.

همسانی اندیشه و کردار میان سران ج.ا. و
 امپریالیسم آمریکا بدینجا خاتمه نمی
 یابد. چنانکه میدانیم یکی از اهداف یورش به
 حزب توده ایران دامن زدن به هیستری کمونیسم
 ستیزی و شوروی ستیزی بود. در سند مورخ ۲ مرداد
 ۱۳۵۶، از قول یکی از جاسوسان آمریکا به
 نام "کاتم" چنین گفته میشود: "علیرغم کینه ای
 که نسبت به آمریکا در میان توده مردم دیده
 میشود... اطرافیان خمینی و مخالفین رژیم در
 تهران آماده اند تا در مواضع بیچیده و مضلی در
 مورد روابط آینده با آمریکا فکر کنند. او آنها را
 ایستور توصیف کرد که از شوروی می ترسند و
 خواهان این هستند که برای امنیت ایران به
 آمریکا متکی باشند... پیروان خمینی معتقد
 هستند که مسکو از وجود دولتی در ایران تحت
 رهبری افرادی که میخواهند نفوذ خودشان را در
 و راه مرزها منجمله مسلمانان شوروی گسترش
 دهند، ناراحت است" (اطلاعات، ۲۵ دی ۶۳).

عمل امپریالیسم در میان پیروان آقای خمینی
 که در تماس با "کاتم" این چنین سالوانه
 سیاست ضد ملی گرایش بسوی امپریالیسم آمریکا
 را تدارک می دیدند، چه کسانی بودند؟ دست
 اندرکاران تنظیم اسناد لانه جاسوسی از افشاء
 نام این "مسلمانان متعهد" خودداری می
 کنند. ولی با یورش به حزب توده ایران و در پیش
 گرفتن سیاست شوروی ستیزی نقاب تزویران
 چهره این آقایان برداشته شد و اکنون پس از
 انتشار اسناد فوق الذکر ژرفای خیانت آنها به
 مصالح ملی ما بیش از پیش آشکار میشود.

و اما درباره ترس از جذابیت نظرات و
 اندیشه ها و برنامه های حزب توده ایران ما به
 تفصیل سخن گفته ایم. در اینجا فقط به یکی دو
 مورد مهم دیگر اشاره می کنیم.

همه بخاطر دارند که پس از انتشار "پیش نویس
 قانون کار" توکلی طبقه کارگر ایران یکبارچه و
 در صف فشرده ای به مقابله با آن برخاست. در
 تجهیز این مبارزه حزب توده ایران نقش تعیین
 کننده داشت. مطبوعات آن ایام انباشته از
 حملات به حزب ما است. رژیم که در مقابله با
 نظرات حزب ما عاجز مانده بود، انتشار
 مطبوعات محدود ما را قدغن کرد. روزنامه "صبح
 آزادگان" (۱۳۴۱ بان ۶)، دوماه و اندی قبل از
 یورش به حزب توده ایران، لغت قلم را به کنار
 گذارد و پس از نشر انواع ناسزاها به حزب ما و
 بقیه در صفحه ۶

نتیجه سفر آقای نخست وزیر به ترکیه؛ وابستگی بازم بیشتر به انحصارات امپریالیستی

سفر سه روزه نخست وزیر در رأس یک هیئت بلند پایه به ترکیه، یکی از منحدان آمریکا و یکی از اعضای اصلی بیان تجاوزکار ناتو، در واقع یکی از حلقه های پراهمیت تحکیم پایه های پیمان "آر.سی.دی" یعنی زائده اقتصادی پیمان نظامی "سنتو" بشمار می آید. مضمون و راستای گفتگوها و قراردادهای منعقد در ترکیه بخاطر خلعت عمیقاً خندلی و استقلال شکنانه آنها در قبال سرنوشت حال و آینده کشور ما از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این دیدار سنگ بنای گسترش همه جانبه مناسبات میان دو کشور در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی گذارده شد و دوطرف خواستار تحکیم و گسترش هر چه بیشتر مناسبات و همکاری ها شدند.

نخست وزیر اعلام داشت: "توسعه روابط اقتصادی و تجاری ما با شما جنبه موقت ندارد و بلکه پیوستگی عیقی به آینده خواهد داشت ما آنرا جزو برنامه های دراز مدت خود می دانیم." (اطلاعات، اول بهمن ۶۲)

تورگوت اوزال، نخست وزیر ترکیه نیز تاکید می کند که: "توسعه این روابط مهمترین خواست ترکیه است." (اطلاعات، ۲ بهمن ۶۲)

در شرایطی کودتاگران آمریکایی ترکیه و سران مرتجع جمهوری اسلامی بر اهمیت توسعه روابط دو کشور انگشت تاکید می گذارند که ترکیه در عرصه بازرگانی خارجی ایران، بعد از آلمان و ژاپن مقام سوم را دارد. رقم واردات ایران از ترکیه بیش از ۱۲ درصد کل واردات کشور را تشکیل می دهد. در سال ۶۲ ایران بزرگترین مصرف کننده کالاهای بنجل ترکیه به ارزش ۱٫۱ میلیارد دلار بود. برپایه آخرین آمار انتشار یافته، حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه به ۲٫۵ میلیارد دلار رسیده است. (اطلاعات، اول دیماه ۶۲)

حال، رژیم جمهوری اسلامی برای آنکه ماهیت این مناسبات وابستگی زاو مغایر با منافع ملی مردم ایران را پیدوشاند، تلاش می ورزد، این مناسبات را دگرگون جلوه دهد و آنرا به گونه ای همپیوندی اقتصادی "سالم" با یک کشور مسلمان و همسایه و جهان سوم معرفی کند تا پلی را که از طریق ترکیه به غرب زده میشود، از انظار پنهان دارد. در اینجا، نیازی به معرفی کامل حکومت آمریکایی ترکیه نیست، چرا که خود رسواتر از این حرفهاست. ولی در پیوند با مخبان و ادعاهای بی پایه نخست وزیر که بازتاب سیاست و نگرش ارتجاعی حاکمیت است، ناگزیریم پاره ای نکات را مورد بررسی قرار دهیم.

آقای موسوی به نخست وزیر ترکیه می گوید: "فکر می کنیم نزدیکی کشورها و ملت های اسلامی با همدیگر حائز اهمیت است و این مسئله کمک خواهد کرد که ما از وابستگی به قدرتهای بزرگ آزدشویم و به نیروهای خود متکی گردیم." (اطلاعات، اول بهمن ۶۲)

توجه کنید جمهوری اسلامی می خواهد با کمک کشورهای مسلمان همانند ترکیه و پاکستان به وابستگی های خود پایان دهد. در حالی حاکمیت جمهوری اسلامی گسترش در راه همکاری های خود با ترکیه از طریق قراردادهای دوجانبه جدید و همپیوندی اقتصادی و سیاسی در چارچوب آر.سی.دی با آن کشور، گامهای بلندی بر می دارد که اقتصاد و بازرگانی ترکیه خودسراپا وابسته به بازارها و انحصارات امپریالیستی است. آیا با کمک یک کشور تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم میتوان از وابستگی ها نجات یافت و به استقلال و خودکفایی رسید؟

ترکیه در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی یکی از زائده های کشورهای امپریالیستی است. از جمله در زمینه اقتصادی مثلاً میتوان گفت که ۴۶ درصد بازرگانی خارجی ترکیه با کشورهای جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک اروپا) است. یا در پاره نفوذ انحصارات امپریالیستی در این کشور به بیان یک نکته بسنده می کنیم: تنها در سه ماهه دوم ۱۹۸۴ میزان سرمایه گذاری شرکت های چند ملیتی در ترکیه برابر با یک سوم کل سرمایه ای است که آنها در بیش از ۲۰ سال گذشته در این کشور بکار انداخته اند. البته ناگفته نماند یکی از علل سرمایه گذاری های گسترده انحصارهای امپریالیستی در ترکیه پویزه در یکی دو سال اخیر در ارتباط ناگستنی با توسعه مناسبات بازرگانی ایران و ترکیه است. زیرا شرکتهای بازرگانی بظاهر ترک طرف قراردادهای ایران جز شعب انحصارات بزرگ امپریالیستی در آن کشور نیستند که تنها در خدمت حفظ وابستگی اقتصادی ایران در سطح و عمق به انحصارات امپریالیستی قرار می گیرند.

بهجت آذری، رییس صادرات شرکت یونانی رویال اندوستری (شعبه شرکت یونانی رویال ایالات متحده آمریکا) اعتقاد دارد: "گردانندگان جمهوری اسلامی به ظاهر مایل به خرید کالاهای ساخت کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا نیستند ولی آنها این نوع کالاها را چنانچه ظاهر در ترکیه تولید شود باکمال میل خواهند خرید."

همچنین میتوان چند نمونه از شرکتهای طرف قرارداد رژیم در ترکیه را معرفی کرد:

۱- شرکت جنرال الکتریک: ۶۰ درصد سهام این شرکت بظاهر ترک متعلق به شرکت جنرال الکتریک آمریکاست.

۲- شرکت فایرز ایلاک لری: این شرکت بظاهر ترک یکی از شعبات فایزر آمریکاست.

۳- شرکت اویاک - رنوا تومبیل فابریک لری: ۴۴ درصد سهام این شرکت بظاهر ترک متعلق به شرکت تولیدی رنوی فرانسه است."

امضای پروتکل احداث خط لوله نفت و گاز

در سفر اخیر نخست وزیر یک قرارداد احداث

خط لوله نفت و گاز بین ایران و ترکیه امضاء شد. بموجب قرار داد نفت خام ایران از طریق خط لوله به سواحل مدیترانه و دریای سیاه می رسد و از آنجا به دیگر نقاط جهان صادر میشود. یک خط لوله گاز نیز از طریق این کشور گاز را به اروپا انتقال می دهد. این قرارداد در واقع زنجیر نوین وابستگی است که بر دست ویای اقتصاد بازرگانی و فروش نفت ایران بسته میشود. این قرارداد از جهات گوناگون به زبان کشور ماست:

اولاً، بر بازار فروش نفت به انحصارات نفتی امپریالیستی که به خودی خود وابستگی آفرین است، وابستگی دیگری را اضافه می کند. بدین نحو که آینده صدور و فروش نفت را به تصمیم و اراده و عملکرد یک حکومت سراپا وابسته به امپریالیسم یعنی ترکیه وابسته می سازد. بدیگر سخن رژیم نبض اقتصاد و مالا حیات کشور را به دست کشورهای عضو ناتو می سپارد تا هر زمان خواستند با بستن شیرهای نفت و گاز کلوی اقتصاد ناتو را با فشارند و امتیازهای سیاسی و اقتصادی نوینی کسب کنند.

ثانیاً، در شرایطی که کشور ما با بحران اقتصادی ژرفی روبروست و برای توسعه اقتصاد ملی و تحکیم شالوده های صنایع نیاز به سرمایه گذاری های عظیم دولتی دارد، در شرایطی که دولت به بهانه تنگناهای مالی، صنایع ملی شده سود آور کشور را دودستی به بخش خصوصی می فروشد و در شرایطی که دولت به دستاویز نیاز به جذب "سرمایه های سرگردان" راه را برای غارت کلان سرمایه داران می کشاید، بستن چنین قراردادی و سرمایه گذاری چند میلیارد دلاری در ترکیه جز خیانت آشکار به منافع مردم ایران و استقلال و حق حاکمیت ایران نیست.

ثالثاً، با توجه به اینکه هر دو کشور ایران و ترکیه فاقد تکنولوژی پیاده کردن پروژه لوله کشی نفت و گاز هستند، اجرای آن توسط انحصارات امپریالیستی انجام می گیرد و باز از این راه سود کلانی بحساب مردم ایران به کیسه امپریالیستها سرازیر میشود.

بالاخره نباید فراموش کرد سیاست خارجی ترکیه یکی از اجزای جدایی ناپذیر ایالات متحده آمریکا و تابعی از سیاست نظامی و مداخله جویانه آنست. امپریالیسم آمریکا بیش از ۲۰ پایگاه نظامی در ترکیه دارد و ترکیه را سربل تجاوز خود در منطقه بحساب می آورد. از اینروست که دولت ریگان ۶۰ درصد میزان کمک نظامی خود به این کشور را افزوده است. در حال حاضر امپریالیسم آمریکا برای احیاء مواضع از دست رفته خود در منطقه خاور میانه و خلیج فارس نقش ویژه ای برای ترکیه قائل است. آمریکا تلاش می ورزد اساساً با پادرمیانی ترکیه پیمان فروپاشیده "سنتو" را در زیر پوشش یک همپیوندی اقتصادی و نظامی اسلامی احیاء کند. قرارداد اخیر لوله نفت و گاز بین ایران و ترکیه یکی از اهرمهای پراهمیت کشاندن ایران به این پیمان نظامی میتوان شمرده

۶ سال پس از پیروزی انقلاب، نه آزادی، نه استقلال و نه عدالت اجتماعی

نقیه از صفحه ۱

متوقف ساختند. ترس از زحمتکشان که خواهان تداوم انقلاب به قصد فرارویی آن به انقلاب اجتماعی بودند، هیئت حاکمه را به بیراهه خیانت به انقلاب کشاند.

تجربه کشورهای نظیر ایران نشانگر آن است که وقتی هیئت حاکمه راه خیانت به مصالح ملی را در پیش می‌گیرد، ناگزیر به امپریالیسم روی می‌آورد و از آنجائیکه در این رهگذر با مقاومت سرسخت توده‌ها و نیروهای ضد امپریالیستی روبرو می‌شود، سیاست آزادی‌گشی و ترور و اختناق رایج می‌سازد. سران ج.ا. نیز در این راه گام برداشتند. سیاست چرخش به راست و گرایش بسوی امپریالیسم و احیای نظام سرمایه‌داری وابسته هیئت حاکمه را از توده‌های مردم جدا ساخت. هم اکنون رهبران ج.ا. در پشت دیوارهای بلند، محاصره شده از جانب سپاه پاسداران بسر می‌برند، در اتومبیل‌های ضد کلوله گرانقیمت در خیابانها حرکت می‌کنند. بام مجلس شورای اسلامی، مقر "ولایت فقیه"، جایگاه ریاست جمهوری و غیره با توپخانه‌های ضد هوایی، آشیانه‌های مسلسل و غیره سنگربندی شده است. نتیجه ترس از مردم، بازگشت به سیاست ترور و اختناق دوران ستشاهی بود و روحانیون حاکم بی‌محابا گام در این راه گذاردند.

برای درک آنچه که امروز، پس از گذشت شش سال از پیروزی انقلاب در جامعه ما می‌گذرد، کافی است هریک از اجزاء خواست جمعی نیروهای محرکه انقلاب، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

در زمینه آزادیهای دمکراتیک

۶ سال پس از انقلاب، ایران به زندانی برای زحمتکشان و نیروهای مترقی تبدیل شده است. زندانها انباشته از دهها هزارتن بهترین دختران و پسران میهن ما است. جوخه‌های اعدام بی‌وقفه به اعمال ضد بشری خود ادامه می‌دهند. وحشیانه‌ترین نوع شکنجه‌ها و شیوه‌های مطرود روانگردانی در فراموشخانه‌های ج.ا. رواج دارد. تعداد انسانهایی که زیر شکنجه به قتل رسیده و یا سربه نیست شده‌اند، هنوز معلوم نیست.

جان، مال، حقوق، مسکن و شغل شهروندان در معرض تعرض ارگانهای سرکوبگر است. تفتیش عقاید با شدت و حدت ادامه دارد. انسانها را به صرف داشتن عقیده روانه سیاهچالها می‌کنند و به دست شکنجه‌گران و جوخه‌های اعدام می‌سپارند. آزادی قلم، و بیان و اجتماعات و احزاب و سندیکاها و اتحادیه‌ها و شوراهای که قانون اساسی برسبیت شناخته، لگدمال شده است. جلوگیری از انتشار مطبوعات مترقی و فعالیت احزاب ملی و دمکراتیک، سانسور نامه‌ها، ضبط مکالمات تلفنی و استراق سمع به سطح سیاست جاری دولتی ارتقا یافته است.

هتک حرمت و حیثیت انسانها و توهین به شخصیت آنها از جمله شیوه‌های رایج در ج.ا. است.

با وجود دعوی رژیم درباره احترام به مقام زن در جامعه، در رژیم "ولایت فقیه" اسارت زنان، محرومیت‌های اجتماعی و خانوادگی مادران ایرانی بیش از پیش تشدید شده است. نابرابری حقوق زنان با مردان، از جمله نابرابری دستمزد در برابر کار مساوی با مردان و حق انتخاب شغل همچنان باقی است. موج تصلیه زنان از محیط کار و راندن آنها از جامعه روز بروز گسترش می‌یابد. در جمهوری اسلامی زن از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم است. "مسئله حجاب" به مهمترین مسئله سران ج.ا. تبدیل شده است.

قدرت دولتی در کشور عملاً بصورت استبداد مطلق و تمرکز قوای سه‌گانه در دست "ولایت فقیه" اعمال می‌گردد. ترور و اختناق به وسیله انواع ارگانهای جاسوسی و سرکوبگر که در جنب نهادهای گونه‌گون بوجود آمده و هریک "گشت‌های" ویژه خود را سازمان داده‌اند، اعمال می‌شود. این ارگانها با اختیارات نامحدود و برحسب وظیفه‌ای که به آنها محول شده و با بکاربردن شیوه‌های غیرانسانی، سراپای جامعه ما را به سود محافل ارتجاعی، کنترل می‌کنند، با هر جریان سیاسی مترقی و انقلابی و ضد امپریالیستی برخورد وحشیانه دارند، سوه ظن و ناامنی را گسترش می‌دهند و با بهره‌گیری از کثیف‌ترین وسایل هر کس را که در قبال بیدادگری‌های رژیم واکنشی نشان دهد، سرکوب می‌کنند.

یکی از مهمترین اشکال تعرض ارتجاع حاکم علیه آزادی در میهن ما، عبارت از سرکوب تحت عنوان مبارزه با "الحاد"، توده‌ای ستیزی و کمونیسم ستیزی است.

یکی دیگر از مظاهر سیاست ضد دمکراتیک هیئت حاکمه اعمال ستم ملی علیه خلق‌های ساکن ایران است. جنگ برادر کشی در کردستان به قصد سرکوب خلق کرد و مقابله با حزب دمکرات کردستان، بارزترین نمونه این سیاست عمیقاً ضد ملی رژیم است.

در زمینه دستیابی به استقلال

دستیابی به استقلال سیاسی واقعی، یکی از اهداف عمده انقلاب بهمن ۵۷ بود. ناگفته پیداست که دستیابی به استقلال سیاسی بدون تأمین استقلال اقتصادی غیرممکن است. برای رسیدن به استقلال اقتصادی، قبل از هر چیز اتخاذ یک سیاست اقتصادی منطبق با شرایط رشد اجتماعی - اقتصادی کشور ضرورت داشت. و این نظر فقط در چارچوب نظام اقتصادی سوبین امکان پذیر بود. اصل ۴۴ قانون اساسی چنین نظامی را در نظر می‌گیرد که در آن اولویت به دو بخش دولتی و تعاونی داده می‌شود. ولی سران ج.ا. در این زمینه هم به آماجهای مردمی انقلاب خیانت کردند.

امروز، پس از گذشت شش سال از انقلاب، رژیم که به سرعت نظام منحن سرمایه‌داری وابسته را احیاء می‌کند و به بازسازی مواضع از دست رفته امپریالیسم سرگرم است، وابستگی کشور به جهان سرمایه‌داری را بیش از پیش تعمیق می‌بخشد. مسائل عمده‌ای که انقلاب بهمن ۵۷ حل عاجل آنها را در دستور روز قرار داده بود، یعنی ملی کردن بازرگانی خارجی، حل مسئله ارضی به سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، تغییر سیستم مالیاتها به منظور جلوگیری از انباشت ثروت در دست عده‌ای قلیل از کلان سرمایه‌داران، مسئله شوراها، مسئله تعاونی‌ها، تحدید عملکرد بخش خصوصی و گسترش حیطه فعالیت بخش دولتی و ... بدست فراموشی سپرده شده است.

صنایع کشور با ورشکستگی روبرو است. بیش از ۸۰ درصد صنایع ایران از نظر قطعات یدکی، نیم ساخته و مواد اولیه وابسته به خارج‌اند. در سال ۱۳۶۲ حدود ۸ میلیارد دلار صرف خرید مواد اولیه، قطعات یدکی و نیم ساخته شد. کمبود ارز برای تأمین مواد ضرور کارگاههای مونتاژ و غیره موجب آن گردیده تا کارخانه‌ها یا تعطیل شوند و یا با نصف ظرفیت کار کنند. موسوی نخست وزیر اعتراف می‌کند که صنایع کشور، "بخاطر وابستگی از لحاظ مواد اولیه و قطعات یدکی ممکن است در تجارت خارجی و سیاست خارجی ما اثر بگذارد" (کیهان، ۸ شهریور ۶۲).

این وابستگی هم اکنون به مقیاس گسترده وجود دارد. واردات کشور در سال ۱۳۶۲ به رقم نجومی ۲۲ میلیارد دلار فزونی یافت. در حال حاضر آلمان غربی مقام اول را در صادرات کالا به ایران دارد. ژاپن و ترکیه و بریتانیای کبیر و ایتالیا به ترتیب مقامهای بعدی را دارا هستند. در همانسال کل ارزش واردات از پنج کشور نامبرده به ایران به ۹ میلیارد دلار بالغ شد. بیش از ۹۰ درصد واردات ایران یا از کشورهای امپریالیستی و یا از کشورهای نظیر پاکستان و ترکیه و کره جنوبی و برزیل و غیره است که در آنها انحصارهای امپریالیستی و در درجه اول انحصارهای آمریکایی حکمروایی می‌کنند.

رژیم "ولایت فقیه" در زمینه همببوندی با انحصارهای امپریالیستی یا در جای پای رژیم شاه گذارده است. رژیم با در دست داشتن ۱۰ درصد از سهام کنسرسیوم اروپایی تغلیظ اورانیوم، ۲۵ درصد سهام (به ارزش ۲۴۲ میلیون دلار) انحصار آلمان غربی "کروپ"، ۲۵٫۲ درصد سهام (به ارزش ۹۶ میلیون دلار) "دریجه بابکوک"، حفظ سرمایه‌گذاری در بانک "توسعه مصر - ایران" و نگهداری ۵۰ درصد از سهام پالایشگاه نفت ایران - کره جنوبی، پیوند نزدیکی با انحصارهای امپریالیستی و از همه مهمتر با ارتجاعی‌ترین رژیم‌های دست‌نشانده دارد. رژیم با دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی نیز عقد برادر خواندگی بسته است. ۱۷٫۵ درصد سهام پالایشگاه در

۶ سال پس از پیروزی انقلاب، نه آزادی، نه استقلال و نه عدالت اجتماعی

آفریقای جنوبی همچنان متعلق به شرکت ملی نفت ایران است و جمهوری اسلامی طبق قرارداد ۲۰ ساله منعقد در سال ۱۹۷۰ کماکان ۷۰ درصد نفت بنام مورد نیاز این پالایشگاه را تامین می‌کند.

در حال حاضر دهها کمپانی از جهان غرب و نیز بانک های " سوئیس کردیت " ، " درسدنربانک " ، " لویز انترنشنل " و " هیرر " در ایران به غارت مردم ما مشغولند.

تشدید وابستگی اقتصادی که منجر به وابستگی سیاسی می‌شود و گرایش به سوی امپریالیسم مظهر بارز آن است ، از اینجا ناشی می‌شود. چالب است که به اعتراف نخست وزیر رژیم ، این گرایش هرچه عمیقتر می‌شود. وی می‌گوید : " الان به عنوان مثال یک گرایش طبیعی وجود دارد که انتخاب تکنولوژی از غرب بشود، چون با این تکنولوژی آموخته تر هستیم و براحتی هم در ظاهر بدست می‌آید... " (کیهان ، ۸ شهریور ۱۳۶۳).

از کدام باصطلاح تکنولوژی سخن می‌رود ؟ موسسات ممتاز وابسته احداث شده در دوران ستشاهی نمونه‌ای از باصطلاح " تکنولوژی " غرب است که میهن ما را به زائده انحصارهای امپریالیستی تبدیل کرده است .

دانشجویان دانشگاه شیراز حق دارند که می‌نویسد : " خلاص قانونی عملا بنیادهای باقی مانده از نظام پیشین را محکم تر در زمین کوفته ، صنایع ما ، ادارات ما ، آلات نظامی ، ارتش و حتی فرهنگ ما را تا عمق استخوان بر اساس وابستگی به استعمار پایه ریزی کرده بودند و خلاص قانونی عملا راه را برای ابراز وجود این بنیادها باز می‌کند " .

وابستگی تا " عمق استخوان " ، چنین است نتیجه سیاست ضد ملی رژیم درشش سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ .

ادامه جنگ خانمانسوز ضربه مهلکی بر اقتصاد بحران زده کشور ما وارد می‌آورد. سالیانه بیش از ۶ میلیارد دلار صرف هزینه های جنگ می‌شود. علاوه بر این هر سال ۲۰ درصد کل هزینه های دولت به بودجه نظامی اختصاص دارد. هزینه مستقیم دفاعی از ۶۶۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۹ به ۱۳۰۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ افزایش یافت . در فاصله سالهای ۱۳۵۹ تا آخر سال ۱۳۶۳ ، یعنی طی پنجسال بیش از ۵۵۰ میلیارد ریال صرف بودجه دفاعی کشور شده است . در همین مدت بیش از ۲۵ میلیارد دلار به ارز خارجی صرف خرید اسلحه از قاچاقچیان بن الملی و انحصارهای اسلحه سازی گردیده است . طبق ارقام رسمی خرابیهای جنگ بهمن ۱۳۶۳ تا ۲۵ میلیارد دلار برآورد شده است . تعداد زیادی از کارگاههای مهم و از جمله پالایشگاه عظیم نفت ابادان ، دهها روستا و شهر و امکانات زیربنایی دیگر ویران شده است افزون بر این صدها هزار نفر از بیروی کار جوان کشته و یا معلول شده اند .

کشاورزی ایران نیز در آستانه ورشکستگی قرار دارد. متوقف شدن مصرف شورای انقلاب درباره اصلاحات ارضی مشهور به بند " ج " و " د "

، بزرگترین خیانت رژیم به آرمان دهقانان بی‌زمین و کم زمین است ، که نقش بسزایی در به ثمر رسیدن انقلاب بهمن ۵۷ داشتند .

ژرفای سیاست ضد دهقانی رژیم وقتی برجسته می‌شود که نخست وزیر می‌گوید : " در خوزستان یک میلیون هکتار زمین قابل واگذاری داریم که هرکجایش را می‌خواهیم دست بگذاریم یکی از شیوخ وابسته به دربار قد علم می‌کند و مدرکی نشان می‌دهد که این زمین مال من است " (کیهان ، ۸ شهریور ۱۳۶۳) .

حاصل این سیاست ضد ملی آن است که طبق آمار رسمی ، واردات گندم از ۴۰۰ هزار تن در سال ۱۳۵۹ به ۲۱۵۰ هزار تن در سال ۱۳۶۳ ، واردات برنج در همان فاصله از ۲۷۱ هزار تن به ۷۵۰ هزار تن و روغن از ۲۸۰ هزار تن به ۴۰۰ هزار تن افزایش یافته است . در سال ۱۳۶۳ بیش از ۲۴۰ هزار تن گوشت و ۱۳۰۰ هزار تن علوفه وارد کشور شده است چه کسانی جز سران ج . ا . م مقصر آنند که طبق گفته نخست وزیر شیوخ و مالکان بزرگ وابسته به دربار قد علم کرده و یا به قول صانعی دادستان کل کشور در ناساز جمع قم ، " همان سرمایه داران سابق - آری همانها - دوباره بازگشته اند و ادعای مالکیت دارند و از قضا بی نصیب هم نمانده اند " (اطلاعات ، یکم بهمن ۶۳) .

در زمینه عدالت اجتماعی

سطرته ارتجاع حاکم که زمینه را برای غارتگری کلان سرمایه داران بازار فراهم آورده ، شرایط توانفرسایی برای زندگی مردم ، بویژه توده های میلیونی محروم جامعه بوجود آورده است . میهن ما که به سبب داشتن منابع سرشار طبیعی ، نیروی کار کافی و قدرت مالی فراوان ، در صورت تداوم انقلاب می‌توانست مشکلات به ارث رسید از رژیم ستشاهی پایان دهد، بر اثر خیانت حکام مرتجع ج . ا . م ، اینک با مشکلات فراوانی روبرو است .

احیاء نظام سرمایه داری وابسته و نوسازی مواضع اقتصادی انحصارهای امپریالیستی پیش از پیش جامعه را به دو قطب متضاد تقسیم کرده و می‌کند. از سویی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و حکام ارتجاعی به تاراج ثروت‌های ملی و بهره کشی از زحمتکشان به سود خویش مشغولند و از سوی دیگر کارگران ، دهقانان ، بیسهم وران ، بخش مهمی از روشنفکران و کارمندان که اکثریت اهالی کشور ما را تشکیل می‌دهند به شدت مورد ستم و غارت و چپاول قرار دارند. بی عدالتی در توزیع درآمد ملی ، افزایش می‌یابد. در حالی که میزان نقدینگی در دست مشتکی غارتگران ثروت ملی به ۸۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۶۳ افزایش یافته ، دهها میلیون ایرانی در شرایط فقر و در سرحد مرگ و زندگی بسر می‌برند.

تورم فزاینده و گرانی سرسام آور یکی دیگر از مظاهر بی عدالتی و مشکلات مردم در کشور ما است . طبق آمار بانک مرکزی ایران نرخ تورم در سال ۶۳ بهمن ۲۰ تا ۲۰ درصد بود. ولی این رقم با

واقعیت فاصله زیاد دارد. زیرا بانک مرکزی نرخ تورم را با در نظر گرفتن ۶۰۰ قلم از کالاهای کوپنی برآورد می‌کند. در حالی که اگر قیمت کالا در بازار آزاد را در نظر بگیریم نرخ تورم به ۵۰ درصد بالغ می‌شود. بالا بودن نرخ تورم را از نرخ های مبادله ارزی در بازار سیاه نیز می‌توان دید. مثلا دلار آمریکایی در بازار سیاه ۶۰۰ ریال و یوند انگلیسی ۸۰۰ ریال معامله می‌شود. و این در حالی است که نرخ رسمی دلار ۹۰ ریال و یوند انگلیسی ۱۱۲ ریال است . باید خاطر نشان ساخت که کسری بودجه و چاپ اسکناس بی پشتوانه برای تامین آن از عوامل عمده تورم پشامی رود. کسر بودجه کشور از ۷۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۰ به ۱۰ میلیارد دلار در سال ۶۳ رسیده است . حجم اسکناس در گردش ، در حال حاضر به ۹۹ تریلیون ریال بالغ گردیده که در حدود نصف آن پس از انقلاب چاپ و به جریان گذارده شده است . به اعتراف رئیس بانک مرکزی ایران ، حداقل ۴۰۰ میلیارد ریال از اسکناسهای در گردش اضافی و در نتیجه تورم زاست .

سودجویی و غارتگری کلان سرمایه داران معروف به " بخر و بفروش " و وابستگی اقتصادی و مالی به نفت و مالا به نوسانات اقتصادی و مالی و ارزی کشورهای امپریالیستی ، وجود انواع واسطه ها در شهر و روستا ، هرچ و مرج در توزیع ، دزدی و رشوه خواری و نیز سیاست ضد دمکراتیک مالیاتی (در سال ۱۳۶۳ از مبلغ کل ۱۰۹ میلیارد ریال مالیات بر درآمد به تصویب رسیده مبلغ ۶۶ میلیارد مالیات بر حقوق و فقط ۱۳ میلیارد ریال آن مالیات بر درآمد صاحبان ثروت برد) ، هزینه کمر شکن جنگ خاسان برانداز و نیز مخارج سرسام آور ارگانهای متعدد سرکوبگر از جمله علل اساسی گسترش ناعدالتی در جامعه است .

مشکل دیگر دامنگیر مردم و بویژه زحمتکشان ، بیکاری است . در حال حاضر بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت فعال کشور را بیکاران آشکار و پنهان تشکیل می‌دهند. اخراج کارگرانی که حاضر نیستند به برده کارفرمایان مبدل شوند. طبق ماده ۳۳ قانون کار دوران ستشاهی به مقیاس وسیع ادامه دارد. عدم ایمنی کار و عدم بیمه های اجتماعی فراگیر وضع کارگران شافل را هر چه وخیمتر کرده است . به موجب لایحه جدید بودجه سال ۱۳۶۴ دولت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایان کارگاههای کوچک کمتر از ۵ نفر خودداری خواهد کرد و بدین سان صدها هزار خاوار کارگری از برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی بیمه های اجتماعی محروم می‌شوند (تبصره ۷۳) . در تبصره ۶۷ لایحه بودجه گفته می‌شود از کلیه مراجعین هیربیمه شده . به استثنای افراد بی بضاعت ، به واحدهای درمانی و بهداشتی هزینه های مربوطه دریافت خواهد شد .

مهاجرت روستاییان به شهرها ، افزایش سریع جمعیت کشور ، عدم برنامه ریزی جدی و اساسی برای مبارزه با بیسوادی ، سقوط بیسابقه سطوح فرهنگی ، عدم برنامه مدون تربیت کادر ماهر و فنی و سرانجام بحران عمیق لایحه در صفحه ۷

اعلامیه مشترک ...

بقعه از صفحه

کفر معرفی می کنند ، جنگی است خانمان برانداز که هیچ ارتباطی با اسلام ندارد. این جنگ به سود امپریالیسم و در وهله نخست امپریالیسم تجاوزکار آمریکا است . امپریالیسم آمریکا خواهان ادامه جنگ بین ایران و عراق است. این جنگ به واشنگتن امکان انرا داده تا حضور خود در منطقه خلیج فارس را تقویت کند. تشکیل فرماندهی مرکزی و نیروی واکنش سریع که استقلال و تمامیت ارضی همه کشورهای منطقه را در معرض خطر قرار داده است یکی از نتایج فلاکتبار جنگ میان ایران و عراق است . امپریالیسم آمریکا با استفاده از ادامه جنگ توانسته مواضع خود را در عربستان سعودی تحکیم بخشد.

ما عاملین ادامه جنگ را شدیداً محکوم می کنیم و خواهان پایان فوری آن هستیم . ما از کوشش های نماینده ویژه سازمان ملل متحد ، سازمان کشورهای غیر متعهد ، اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورها و سازمانهای بین المللی در زمینه پایان دادن به این جنگ بی حاصل و خانمان برانداز حمایت می کنیم . اختلافات ایران و عراق باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود .

۲- در منطقه خاورمیانه حوادثی می گذرد که نمیتواند مورد توجه ما قرار نگیرد. توطئه امپریالیستی - صهیونیستی برای ادامه سرکوب جنبش آزادیبخش خلق عرب فلسطین ادامه دارد. امپریالیسم آمریکا با وجود شکست های جدی در یک سال اخیر هنوز از ادامه توطئه دست بردار نیست . هدف ایجاد انشعاب در جنبش آزادیبخش فلسطین و تضعیف و سرکوب آن است . ما این توطئه را شدیداً محکوم کرده و حمایت بیدریغ خود را از نهضت آزادیبخش فلسطین اعلام می کنیم . ما خواهان خروج فوری نیروهای اشغالگر اسرائیل از لبنان و دیگر اراضی کشورهای عربی هستیم و معتقدیم که مسئله خاورمیانه باید در کنفرانسی با شرکت همه دولت های ذینفع و از آنجمله اتحاد جماهیر شوروی حل و فصل گردد .

۴- ما تکرانی عمیق خود را از تشدید وخامت وضع بین المللی که محصول سیاست جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا و متحدانش در ناتو است و جهان را بسوی جنگ هسته ای و نابودی سوق می دهد ابراز می داریم .

مبارزه علیه سیاست سابقه تسلیحات هسته ای و کشاندن آن به فضای کیهانی که از جانب واشنگتن تعقیب می شود، وظیفه عاجل همه انسانهای آزاده و صلح دوست در سراسر جهان است . ما از پیشنهاد های دولت اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای حوسیالیستی درباره حفظ صلح جهانی و امنیت بشری و نیز تبدیل اقیانوس هند به منطقه عاری از سلاحهای هسته ای و منطقه صلح قریبا حمایت می کنیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست عربستان سعودی

حالا کاری هم ندارند به اینکه چه چیزی نوشته اید. حتی یکبار روزنامه رفت به سراغ موضوعات علمی نظیر انرژی اتمی یا کوره های فولاد و ذوب آهن... کم کم شنیده شد که می گویند به این بحث ها بیشتر توجه ای های پرداخته اند و به این ترتیب موضوعات دیگر هم به موضوعات ممنوعه افزوده شد."

بدینسان "اطلاعات" ناخواسته علت عمده یورش به حزب توده ایران را فاش میسازد. در جامعه ایران هیچ عرصه ای را نمیتوان یافت که حزب ما نظرات و برنامه های دقیق علمی و عملی مطابق با منافع کشور ما ارائه نکرده باشد. و این یکی از خدمات بزرگ حزب ما است. گفته های محمد جعفری مسئول روزنامه "انقلاب اسلامی" طی سخنرانی در مسجد گوهرشاد مشهد (۴ بهمن ۵۹) را بخاطر بیاورید که گفت: "خطر اصلی ایران امروز حزب توده است. این حزب برای هر مسئله طرح دارد و آن را... بیان می کند و متاسفانه دوستان نادان هم آن را تکرار می کنند."

آنچه حزب توده ایران گفته و می گوید دیروز تکرار می شد، امروز تکرار میشود و فردا نیز تکرار خواهد شد. چرا؟ زیرا گفته های حزب ما حق و بازتاب دقیق خواستها و منافع توده های میلیونی محرومان جامعه است. مصادیق نظرات دیگر با حزب توده ایران را نیز فقط و فقط از این مقطع باید ارزیابی کرد نه در دنباله روی از حزب ما.

میتوان اعضای حزب توده ایران را روانه سیاهچالها کرد، شکنجه داد و کشت. میتوان به حزب توده ایران اتهام زد، اما حرف حق را نمیتوان پایمال کرد، کما اینکه نمیتوان آفتاب را به گل آلود.

اگر "خط" حزب توده ایران به اندازه ای در جامعه ریشه دوانده که "ادم بودن و وجدان داشتن" مترادف با توده ای بودن است، علت را باید نه در دنباله روی دیگران از ما، بل در اصالت سیاست حزب ما دید که از میهن پرستی عمیق و جهان بینی دوران ساز آن سرچشمه می گیرد. و این درس آموزنده ایست به آنهایی که خود را مترقی و انقلابی می دانند، ولی همصدا با سیاهترین نیروهای ارتجاعی سیاست حزب ما را مورد تاخت و تاز قرار می دهند.

اگر ما بر اساس وظیفه انقلابی خود به مظاهر نارضایی ها پی نمی بردیم و به جمع آوری و تجزیه و تحلیل خواستها و دردها و مشکلات مردم نمی پرداختیم و آنها را تبلیغ نمی کردیم (چیزی که مخالفین سیاست حزب ما مطرح میسازند) چگونه نظرات ما میتوانست پس از اینهمه ضربات وارده به حزب، در جامعه مطرح باشد؟

مران ج.ا. به عیث می کوشند تا چنین جلوه گر سازند که گویا مسئله ای بنام حزب توده ایران وجود ندارد. اعضاء و هواداران حزب ما امروز هم مانند دیروز در بطن جامعه حضور دارند و به مبارزه دشوار خود ادامه می دهند. هیچ نیرویی قادر نخواهد بود از نبرد حزب توده ایران در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و صلح جلوگیری کند ●

بذری راه که ما پاشیده ایم ...

سندیکاها و اتحادیه های کارگری، از اینکه ما می گوئیم "کارگران ایران در راهند، محرومیت دارند" با برافکنگی خاصی که حاصل نرس از نقش حزب ما در جهت کارگران بود، نوشت: "انها مرکز توطئه و چاقوسی... اند، بارها گفته ایم که این اتحادیه ها و سندیکاها را تعطیل کنید... اگر مطبوعات اسلامی رسالت خودشان را بخوبی انجام ندهند، جریان حزب توده میتواند دقیقاً از این موقعیت استفاده بکند."

معنای این منظور گویاست و بیازی به تفسیر ندارد. حزب توده ایران و اتحادیه ها و سندیکاها میبایست سرکوب شوند تا هیئت حاکمه حاضر بنفاد به راحتی نظام سرمایه داری وابسته را احیاء و مواضع از دست رفته امپریالیسم را بازسازی کند.

اما آنچه مسلم است، حکام مرتجع نتوانند با یورش به حزب توده ایران و اتحادیه ها و سندیکاها، مانع مبارزه کارگران ایران گردند. بذری که حزب ما با فداکاری و از خود گذشتگی پراکند، امروز پس از گذشت دو سال با اعتصابات بیگبر کارگران بیشتر به ثمر می نشیند. نبردی سخت و بی امان میان حامیان آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و صلح و هیئت حاکمه در کلیه سطوح در جریان است. نبردی که حزب توده ایران در آن نقش مهمی دارد.

در سال ۱۳۴۸ مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" نوشتند: "کجاست حزب ایوزیبونی که مخالفان برمسند قدرت نشسته اش نام کمونیستی بدان ندهند؟ و کجاست حزب ایوزیبونی که به نوبه خود هم بر عناصر مترقی تر ایوزیبون و هم بر مخالفان مرتجعش داغ اتهام کمونیست نکوبد؟"

اکنون بعد از ۱۲۷ سال، سرمقاله نویس "اطلاعات" (۱۲ دی ۶۲) می نویسد، هرکس از محرومین حرفی می زند "به خط گرفتن از کمونیسم و حوسیالیسم" متهم میشود. "اطلاعات" می نویسد: "فرض کنیم شما تا فلان موقع (بخوان تا یورش به حزب توده ایران) مثلا میتوانستید راجع به قانون اساسی مصاحبه کنید، تحلیل کنید. ولی یکباره جو خاصی درست می شود و از آن پس نزدیک شدن به این موضوع، سؤال برانگیز و بودار و مسئله آفرین میشود! چرا؟ چون بیشتر توده ای ها و گروهها سعی می کردند مرتباً مواد قانون اساسی را علم کنند."

نویسنده "اطلاعات" اعتراف می کند که چون توده ای ها نوشته های درشت را به دیوار می زدند که مثلا، اصل ۴۹ قانون اساسی را اجرا کنید، "حالا فرضاً هرکس و هرگروه صدراعدا سلامی هم که بیاید و این کار را بکند، متهم میشود". روزنامه سپس چنین می نویسد: "در مورد بحث مالیات هم تا گه آن احساس ورود ممنوع به شما دست می دهد، در مورد بحث "زمین" و اراضی نیز تا گه آن احساس می کنید که در قالب خبر یا مصاحبه یا مقاله با آن بپردازند بعضی ها دوباره شک می کنند و جو منفی درست می شود.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نقبه از صفحه ۱

تندباد حوادث شومی که به اراده امپریالیسم و ارتجاع برییکر انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی، ضددیکتاتور و مردمی میهن ما زخم ها و جراحات عمیقی نشانده نتوانست بر اراده استوار سازمان رزمنده شما لطمه ای وارد سازد.

هدف یورش سبعانه امپریالیسم و ارتجاع و امانده و قرون وسطایی برحزب توده ایران - حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، و سازمان برادر - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - گردان پیشاهنگ طبقه کارگر مانند همیشه نابودی سنگر اصلی و خاکریز اول دفاع از انقلاب، دفاع از استقلال و آزادی میهن و دفاع از حقوق اجتماعی زحمتکشان میهن ما و برقراری استبداد در پوشش مذهب برای حفظ و حراست رژیم استثمار بی بند و بار توده های زحمتکش بوده است.

این واپسگرایی دهشتناک بسوی تاریکی و ظلمات استبداد قرون وسطایی برای سازمان های ما، برای میهن انقلابی ما، برای زحمتکشان رزمنده آن و برای دیگر نیروهای مترقی و دمکرات وطن ما چیزی بیشتر از رویای خام و آشفته مثنی بی خبر از سیر واقعی تاریخ و خائنان به منافع ملی و مردمی مانیده و نیست که محکوم به فنا و نابودی میباشد.

مقاومت و رزم دلیرانه شما که دوشادوش حزب توده ایران در شرایط دشوار برای مردم سازمان ما علیه امپریالیسم و ارتجاع انجام شده و میشود به نتایج قانونمند خود در راستای افشاء ماهیت ضدملی و ضددمکراتیک رژیم حاکم برکشور، بسیج توده های زحمتکش به نبرد آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و بالاخره ایجاد اهرم حیاتی و تعیین کننده جبهه متحد خلق از همه نیروهای ضدامپریالیست، مترقی و دمکرات که تنها راه برون رفت از بحران های همه جانبه و نجات انقلاب است، نزدیک میشود.

ما بار دیگر سالروز تولد سازمان برادر را تبریک می گوئیم و در این بیکار قطعی و نهایی بخاطر نجات انقلاب برای شما دوستان هم‌رزم و وفادار به آرمانهای والای خلقهای میهن دریندمان آرزوی موفقیت می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

نیروی سیاسی منسجم در حاکمیت قدرت بگیرند تا بتوانند دوباره نقش مخرب و ضد مردمی خود را در موسسات تولیدی و نظام بازرگانی و خدماتی به بهترین وجهی اجرا کنند. ولی این کوشش هر چه بیشتر با مقاومت نیروهای ملی و مترقی و ضدامپریالیستی از پایین روبرو می شود.

نبردی سخت و دشوار در جامعه جریان دارد. تردیدی نیست که در این مبارزه پیروزی نهایی از آن توده های میلیونی زحمتکشان است ●

مسئله بهداشت به یکی از مشکلات عمده مردم تبدیل شده است. فعال شدن بخش خصوصی در زمینه احداث بیمارستانها و درمانگاههای خصوصی با هزینه گراندرمان، از مظاهر گویای سیاست ضدملی رژیم است.

بر اساس آمار موجود، میزان مرگ و میر کودکان ۱۲۰ در هزار است. تعداد مسلولین در کشور به ۱۰۰ هزار نفر بالغ می شود. ۷۰ درصد روستاها فاقد آب آشامیدنی تصفیه شده و سالم هستند. آب آلوده منشاء بیماریها است. به نوشته "اطلاعات" (۱۹ دی ۶۳) یکی از مهمترین علل مرگ و میر بچه ها، اسهال بشمار می رود و شاید بتوان گفت حدود یک سوم مرگ و میری که در ارتباط با بچه های زیر یکسال اتفاق می افتد، بخاطر این بیماری است.

کمیابی و نایابی مایحتاج عمومی، گرانی کمرشکن، دشواری ترافیک شهری، مشکلات آب و برق از جمله مشکلاتی است که اکثریت مردم از آن رنج می برند. در این میان فقدان مسکن مجهز و بهداشتی برای زحمتکشان شهروستا و گرانی کمرشکن اجاره بها، جای ویژه ای دارد. کمیسیون مسکن مجلس شورا معترف است که در حال حاضر کشور نیازمند ۲ الی ۲ میلیون واحد مسکونی برای سروسامان دادن به مشکل زیست مردم است (اطلاعات، ۵ آذر ۶۳). تازه این آمار بدون احتساب رشد سالیانه ۱٫۲ میلیون نفری اهالی کشور است. بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد درآمد کارگران و کارمندان را اجاره بها می بلعد.

به این نارسایی های عظیم باید دشواری زندگی جوانان، نبود امکان و وسایل کافی تحصیل، کار، تفریح سالم و ورزش، فقدان افق روشن برای کار و زندگی، وجود انواع تبعیض ها، رواج وسایل تخدیر و فساد در میان بخشی از جوانان شهر نشین را افزود. هیئت حاکمه جنبش مترقی جوانان، بویژه دانشجویان مبارز را که همیشه در صف مقدم مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم بوده اند، به شدت سرکوب می کند و می کوشد آنها را با روح اطاعت مطلق از اوامر "ولایت فقیه" بار آورد.

فقر و بیسوادی، بیکاری و درگیری علل عمده افزایش سریع خودکشی ها و آدم کشی ها در جامعه است. تعداد خودکشی ها در سال ۶۱ نسبت به سال ۵۸ به میزان ۷۱٫۷۵ درصد و تعداد آدم کشی ها به میزان ۷۵ درصد افزوده شده است.

چنین است محتوی کارنامه سیاه حکام خیانت پیشه چ. ا. در شش سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ این وضع فلاکتبار نتیجه قهری سیاست ضدملی و ضددمکراتیک رژیم است که با چرخش به راست مانع تدارم انقلاب در کشور گردید. تبدیل حاکمیت به نیروی طرفدار احیاء سرمایه داری وابسته و گرایش به سوی امپریالیسم به انزوای روحانیون حاکم در جامعه منجر شده است. روحانیت حاکم با تحمیل دیدگاههای ارتجاعی، سرشت انقلابی و ماهیت دمکراتیک انقلاب بهمن ۵۷ را زایل کرد. کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان با تکیه بر حمایت حکام مرتجع می کوشند تا از پراکندگی خارج شوند و به صورت

۶ سال پس از پیروزی انقلاب...

نقبه از صفحه ۵

مالی و وجود میلیونها آوارگان و معلولین جنگ، معضل اشتغال رادر کشور شدت می بخشد. بیکاری آشکار و پنهان حال و آینده زحمتکشان شهر و روستا را تهدید می کند.

علیرغم وعده های بر سر و صدا پیرامون آموزش رایگان و حق تحصیل که در قانون اساسی نیز مدرج است، کمبود کادر آموزشی در همه سطوح، همچنین کمبود دبستان و دبیرستان ها، آموزشگاههای حرفه ای و مدارس عالی مجهز و رواج فرهنگ قرون وسطایی، بجای فرهنگ اصیل ایرانی یک رشته دیگر از مشکلات زندگی کودکان و جوانان ما است.

دولت که دچار ورشکستگی مالی است می کوشد تا علاوه بر مالیات های مستقیم و غیر مستقیم که بطور عمده بر دوش توده های محروم سنگینی می کند، انواع عوارض جدید بر تحصیل و تجربه نیز تصویب کند. تبصره ۹۲ لایحه بودجه سال ۱۳۴۲ اخذ هزینه های مورد نیاز جهت برگزاری امتحانات سطوح مختلف تحصیلی وابسته به آموزش و پرورش از داوطلبان را تائید می کند. و یاد تبصره ۷۷ گفته می شود، همه هزینه های مربوط به آموزش های قبل از دبستان و بزرگسالان باید پرداخت گردد. علاوه بر این دانش آموزان شهری مقطع ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی نیز مجبورند بخشی از هزینه های مربوط به شهریه را پرداخت کنند. آثار مخرب چنین سیاستی بر تحول آموزشی و فرهنگی کشور نیازی به تفسیر ندارد.

شش سال پس از پیروزی انقلاب میلیونها تن از کودکانی که به سن تحصیل رسیده اند از امکان آموزش محرومند و صدها هزار تن از دیپلمه ها امکان ادامه تحصیل در مدارس عالی را ندارند. وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعتراف می کند که در کشور به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر فقط ۴۶۹ نفر دانشجو داریم (این رقم در سوریه ۱۲۰۰ و در لبنان ۳۱۵۹ نفر است). تعداد دانشجویان از ۱۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۳۹ به ۱۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۲ کاهش یافته است. اگر در سال ۱۳۵۷ تعداد ۱۷۵ هزار تن دانشجو در دانشگاههای ایران تحصیل می کردند و ۱۳۹۰۰ تن استاد، یعنی به ازاء هر ۱۱ نفر دانشجو یک استاد وجود داشت، در سال ۱۳۴۲ تعداد استادان به ۶۵۰ نفر تنزل یافت و بدینسان به ازاء هر ۲۲ تن دانشجو یک استاد وجود دارد.

هم اکنون برای رفع تنگناهای صنعتی کشور نیاز به ۲۰۰ هزار نفر نیروی ماهر و فنی است. در حالیکه گنجایش مراکز تربیت نیروهای ماهر موجود سالیانه از ۵۰ الی ۶۰ هزار نفر تجاوز نمی کند.

علیرغم تبلیغات بدون پشتوانه درباره رایگان بودن بهداشت، گرانی بهای دارو و درمان و کمی تعداد بیمارستانها و درمانگاهها و پزشکان تعداد پزشکان در کشور از ۱۲ هزار تن تجاوز نمی کند. بیش از ۶۰ درصد آنها در تهران و حدود ۲۵ درصدشان در مراکز استانها متمرکزند (

همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای در جمهوری فدرال آلمان

بدنبال کار توضیحی پیرامون اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرهای بزرگ و کوچک آلمان فدرال و مراجعه آنان به احزاب، سازمانها و شخصیت‌های گوناگون علمی، ادبی و سیاسی، موج نامه‌های اعتراضی بسوی سفارت ج.ا.د.رین سرازیر شده است.

نویسندگان این نامه‌ها کمیته‌های محلی حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیال دمکرات آلمان، حزب سبزها، اتحادیه‌های دانشجویان و جوانان، سازمانهای هوادار صلح، اتحادیه‌های کارگری، کمیته‌های ضدفاشیستی، سازمانهای متعلق به ترکهای مقیم آلمان فدرال، دمکراتهای شیلیایی، نمایندگان مجالس مقننه محلی، وکلای دادگستری، نویسندگان برجسته و بالاخره انسانهای دمکرات و صلحدوستی هستند که پس از آشنایی با وضع موجود در جمهوری اسلامی، فعالانه گام در عرصه مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران بطور اعم و زندانیان توده‌ای بطور اخص می‌گذارند.

تعداد این نامه‌ها بسیار زیاد است و متأسفانه برای ما امکان انعکاس همه آنها در صفحات اندک "نامه مردم" وجود ندارد.

بخش بزرگی از نامه‌ها متعلق به کمیته‌ها و اعضای حزب کمونیست آلمان و سازمان اسپارتاکوس است. رفقای عضو حزب کمونیست و سازمان اسپارتاکوس بنا به خصلت انترناسیونالیستی خود پیشاپیش کسانی قرار دارند که با زندانیان توده‌ای ابراز همبستگی عمیق می‌کنند. ولی در نامه‌های احزاب و سازمانهای غیر کمونیستی و غیرمارکسیستی و برخی شخصیت‌ها نیز وجود کترین نشانه‌های حقوق بشر و عدالت در جمهوری اسلامی تأکید شده است.

در این زمینه بعنوان نمونه به دو نامه اشاره می‌کنیم:

نخست نامه نمایندگان مجلس محلی قانون گذاری "بایریشرلاندتاک" از حزب سوسیال دمکرات آلمان - بابو گروا - ماریا هاس و آقایان ولف لانگنبرگر، برتولت کام و تونی شیمیل که در آن خطاب به سفیر جمهوری اسلامی درین گفته میشود:

موافق اطلاعاتی که ما در اختیار داریم قرار است اعضای رهبری حزب توده ایران در کشور شما در برابر دادگاه آورده شوند. آنان منتهم به خیانت به وطن و جاسوسی برای مسکو شده‌اند. محاکمات ممکن است با صدور احکام اعدام پایان پذیرد. بنابه اطلاعاتی که در اختیار ما

گذاشته شده است بسیاری از متهمان شکنجه شده و زیر تاثیر انواع داروها از نظر بدنی و روانی تحت فشار قرار گرفته‌اند.

احتمالاً شما مطابق دستور دولت خود این مطالب را تکذیب خواهید کرد. اما به عقیده ما این قانع کننده نیست. بدین جهت ما می‌طلبیم که:

۱- وضع جسمانی و روانی زندانیان توسط کمیونی از پزشکان بیطرف بین المللی مورد معاینه قرار گیرد.

۲- به زندانیان امکان دفاع حقوقی از راه تعیین وکیل مدافع برپایه گزینش از سوی خودشان داده شود.

۳- پیرونده‌ها توسط حقوق دانان مستقل مورد بررسی قرار گیرد تا بتوانند تحقیق کنند چه روشهایی بهنگام دریافت این "اعترافات" بکار گرفته شده است.

ما خواهش می‌کنیم نامه ما را برای رهبری دولت خود ارسال دارید."

دومین نامه را پتر شوت نویسنده آلمانی به سفارت ایران درین فرستاده است. در این نامه گفته میشود:

بیش از بیست سال است که من با مبارزه خلق ایران برای زندگی و حقوق انانیش ابراز همبستگی می‌کنم. در سال ۱۹۶۷ من بعلت شرکت در اعتراضات علیه شاه در هامبورگ توسط پلیس زندانی شدم و دادگاه مرا مجازات کرد. ۱۲ سال پس از آن ما با خشنودی و شادی خبر سقوط دیکتاتوری در ایران را شنیدیم. اما اوضاع و احوال کنونی در ایران مرا عمیقاً نگران می‌کند. من شاهد آم که دولت جمهوری پیوسته بیشتر و بیشتر به روشهای حکومتی شاه روی می‌آورد و سیاستداران مترقی، هنرمندان و دگراندیشان را به زندان می‌افکند.

من با قاطعیت علیه پیگرد خونین دمکرات‌های ایرانی و بالاخص اعضا و هواداران حزب توده ایران اعتراض می‌کنم. توده‌ای‌ها سهم قابل توجهی در آزادکردن ایران از رژیم تروریستی شاه داشتند. اینک جمهوری اسلامی می‌خواهد با اتهامات ساخته و پرداخته آنانرا به محاکمه بکشد و به مرگ محکوم کند."

باز هم به بسیاری نامه‌ها با استدلالهای محکم و متین میتوان اشاره کرد ولی ما ضمن تشکر از ارسال کنندگان آنها بعلت تنگی جا بهمین مختصر بسنده می‌کنیم.



شماره ۶ مجله مسائل بین المللی منتشر شد

شصتین شماره سال ۱۳۶۳ مجله "مسائل بین المللی" از چاپ خارج شد. در این شماره مقاله‌هایی مانند "تاثیر اندیشه‌های اکتبر در سیاست جهانی"، "درواه تحکیم نقش پیشناز طبقه کارگر" و "آنتی کمونیسم ممانعی درواه ترقی اجتماعی است" به چاپ رسیده است.

این شماره خوانندگان را با نظریات شخصیت‌های برجسته جنبش کمونیستی و کارگری دربارہ تاثیر عوامل اجتماعی-سیاسی و ایدئولوژیک صلح که اکتبر پدید آورده، خط مشی کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان برای تقویت خصلت طبقاتی حزب و مطالب مورد بحث در میز گردی که کمیسیون مسائل کلی تئوریک مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" برای بررسی نقش آنتی کمونیسم معاصر تشکیل داده بود آشنا می‌کند.

علاوه بر اینها، در این شماره مقالات مستند و جالبی درباره مبارزات مردم فرانسه علیه اشغالگران نازی در سالهای جنگ جهانی دوم برهبری جنبش مقاومت، برکزاری شصتین سالگرد تاسیس حزب کمونیست لبنان و ویژگیهای فعالیت حزب کمونیست هندوستان و اخبار و مطالب دیگری نیز بچاپ رسیده است. ما مطالعه این شماره و شماره‌های دیگر مجله "مسائل بین المللی" را به خوانندگان خود توصیه می‌کنیم.

کمکهای مالی رسیده:

- وجودت ۱۲۲ پوند
- رت ۱۰۰ فرانک
- سهیل ۱۵ پوند
- سوسی کوچولو ۲۰۰ فرانک
- ۱۲ از فرانسه
- ۴۸ فرانک
- ایران ۴۸۰ فرانک
- دانشناس به صندوق سستی ۲۰ فرانک

حساب بانکی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH
MARDOM

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

NO: 36

FEB. 7, 1985

هم میهنان عزیز! بابکارگیری و بسیج همه امکانات خود
به یاری ده‌ها هزار خانواده زندانیان سیاسی بشتابیم!